

یک قدم تا مرگ

در حالیکه بدلیل خشکسالی های دهه اخیر و از طرفی عدم تحقق وعده وزارت نفت در اختصاص سهمیهٔ «تایج» جهت تثبیت شنه‌های روان در جاسک، هر روز خانه های مردم در حال مدفون می باشد و چهره های مظلوم کودکان محروم و زجر کشیده را چهار ستون بدن هر بیننده ای را به لرزه می اندازد.انتقامی رف که اعتبار بیابان زدایی افزایش یابد ولی در خیر ها می خوانیم که اعتبارات بیابان زدایی به طرز محسوس و چشمگیری کاهش یافته است. اگر وزیر نفت فقط ساستی تشریف بیاورد و در ماسه های روان قدم بزند که تقریباً فرض محال است. آنگاه می بینند که محرومیت در این منطقه چه معنایی دارد. وقتی که مردم مجبورند غذا و آبشان را با خاک بخورند و در خاک بخورند و پچه ها در خاک بازی کنند و دانش آموزان بر سندی های خاکی بنشینند و خاک را وارد ریه ها کنند و به انواع و اقسام بیماری ها مبتلا شوند و عمر شان کوتاه شود و…

آیا واقعا می توان گفت که مردم روستاهای دور افتاده جاسک که آب و برق و جاده و بهداشت و مدرسه و… ندارند واقعاً زندگی می کنند یا با مرگ دست و پنجه نرم می کنند.حقوق انسان و حقوق بشر در اینجا معنا می یابد که کودکان در قرن بیست و یک وعمر اقتصاد و علم از کمترین امکانات بهره مندند. ناغری کودکان این مناطق انسان را به یاد کودکان آفریقای می اندازد که از گرسنگی چنان طاق شده اند و به انواع بیماری ها مبتلا هستند که فقط اسکلت بدنشان پیداست و بر روی آن پوست انسان و رگ های زیر پوست را می توانی ببینی . حال چرا دولتمردان این فقر فلاکت بیچارگی و بدبختی را نمی بینند و یا با بی تفاوتی از کنار آن می گذرند جای بسی تاسف است. واقعا چه کسی و چه دستگاہی بایستی به فریاد این بیچارگان برسد؟

رشوه برای سکوت!!

فراز



بعضی از افراد را گویا خداوند فقط برای این آفریده است که مظهر مجسم خام خیالی،کج اندیشی و جهل مرکب باشند تا شاید از این راه مایه عبرت دیگران بشوند.

اما این کج اندیشی و جهل مرکب وقتی در وجود یک پدر(ا، لانه کنه بیش از آنکه مایه عبرت دیگران گردد باعث رنج نزدیکان او خصوصا زن و فرزند باش می شود. اساس خانواده ای را فرو بریزد،تخم شک و تردید نسبت به گروهی ترین معیارهای انسانی را دردل فرزندان معصوم خانواده میکارد. نامه دختر پانزده ساله ای که هفته گذشته بدستم رسید نمونه آشکار چنین رنجیدگی است.این دختر معصوم در نامه سراپا درد خود نوشته است:

من دختری پانزده ساله و خیلی حساس هستم، برادری کوچکتر از خود نیز دارم و رویهم رفته خانواده چهار نفری را تشکیل می دهم که آرامش نسبی در آن برقرار است.

مادری مهربان دارم و پدری که دست کم در چهار دیواری خانواده مردی مهربان است و خلاصه در ظاهر یک کانون گرم خانوادگی داریم.اما این فقط ظاهر کار است و کسی نمی داند که در درون من چه می گذرد. آنچه مایه درد و رنج من شده این است که پدرم،مردی

فراوسر نکتم این نامه را دختری پانزده ساله نوشته است . دختری که در نظر بسیاری از پدران هنوز بچه ای است که دهانش بوی شیر می دهد،اما همین دختر دور اندیشی و هوشیار از خودنشان می دهد که صد یک آن را هم پدرش ندارد. دختری پانزده ساله با آنکه دلش از کم لطفی پدر نسبت به مادرش زخمی عمیق برداشته با خود می گوید: این راز را هر چه دشوار است فاش مکن،چون که کانون خانواده ای از هم پاشیده خواهد شد.

وقتی این مرد به دخترش می گوید:هر چه بخوای برایت می خرم بشرطی که از این ماجرا به کسی چیزی نگویی ،در واقع پدر می خواهد دختر معصوم پانزده ساله اش را هم شریک جرم خود سازد.

معنی واقعی معامله ای که او پیشنهاد می کند چنین است: من دروغ می گویم .تو هم اسکناسی را بگیر و دروغ بگو ! تو هم مثل من باش.!! و سزای چنین پدری همان است که دختر اسکناس را در شماره ای را گرفت و شروع کرد به صحبت کردن من صدایی را از پشت گوش می شنیدم.

وقتی پدر گوش را گذاشت و من سرم را بلند کردم و به او نگاه کردم پدرم دید که چشماتم پر از اشک شده گفتم:چرا گریه میکنی؟مگر چی شده؟من داشتم با یک مرد حرف می زدم ! از آن خواستم که فوراً مرا به خانه برساند پدرم نرم تر شد و یا مهربانی گفت:هر چه بخوای برایت می خرم مشروط باینکه به کسی نگویی مخصوصاً زن و فرزند باش می شود. او رد و به من داد.من اسکناس را جلویش پرت کردم و به خانه رفتم.در حالیکه زار زار گریه می کردم.

شاید شما بگوئید که این دختر در رویاهای جوانی غرق است و از گاه گوه می سازد ولی باور کنید که بعد از این حادثه، من نه می توانم پدر بخوانم و نه می توانم کاری را با حواس جمع انجام بدهم. می خواستم همان روز ماجرا را با ما مادرم در میان بگذارم، اما فکر کردم اگر قضیه را فاش کنم کانون به ظاهر گرم ما از هم پاشیده خواهد شد و چون تواناستم این راز را در دلم نگاهدارم برای شمامه نوشتم که به پدران بنویسید که اگر هرکاری انجام دهید جلوی روی بچه هایمان هر قدر هم که کوچک و کم سن و سال باشند خوب و در تشخیص خواهند داد.

- بسیار بجا خواهد بود که بحث از این نامه را از آخرین مجلات آن آغاز کنم. (من می خواستم همان روز اصل ماجرا را با مادرم در میان بگذارم ،اما فکر کردم اگر قضیه را فاش کنم،کانون خانوادگی گرم ما از هم پاشیده خواهد شد…)

یزدان پاك

هر سال خرداد ترم‌ن صدای آشنایی به گوش می‌رسد.نوایی دلنشین که داستانی زیبا را برپایمان می‌سراید.

حکایت سرگذشت ماهی است که خمینی کبیر انتظار فرج از نیمه آن دارد. امامی که خرداد را در جهان با نام او می‌شناسد و ما سوخته دلان عاشق به انتظار ولایتش سالیان را به ماه به ماه می‌شمارم تا لحظه دیدار با آن پیر سفر کرده فرا رسد. هر سال جوانانی پای در رکاب عشق می‌نهند و به شوق دیدار و زیارت حرم آن حرم دار ولایت فرسنگ‌ها را بی‌خستگی و ملالی می‌پیمایند تا در معیاد گاه عاشقان ولایت و رهبری میثاقی دوباره با آن نادره روزگار و جانشین بر قشخ خامه ای ببندند .عاشقانی که عهدی دارند با آن دلبر جانان که گر سر هم برود بر سر عهد و پیمان می‌مانند و اسمال حکایت چونان حکایت عصر علی است و نهروان و صفین و جمل در پیش است.

ما باوران علی پای در رکاب بانزاران حرم یار بار دیگر پیمان مردمان جنون و ولایت و رهبری دیگر بار صحه می‌نهم و تا جان دربر و نفس در سینه داریم پاسداران حرم ولایت

بدگمانی نیست،بلکه این محتوایی را در بی خواهد داشت که:می توانی اشتباه کنی و گناه خود را با پول بخری ! هر کار بدی که می‌خواهی بکن به شرطی که رزوهه را پیشاپیش در جیب گذاشته باشی !دروغ بگو،به همسرت، به بچه‌هایت به دوستان و همشهریانت و وقتی لو رفتی دروغ بزرگتری بگو !اگر با دروغ دومت نتوانی دروغ اول را پاک کنی اسکناسی ریز و درشت را نشان بده. و این طرز تفکر کسانی است که خیال می‌کنند همه رابطه‌ها در یک بده و بستان «مادی» خلاصه می‌شود .

- دخترم من از نامه خودت، فراز هائی را در آوردم و برای پدر تو و دیگر پدران نوشتم شاید این در جهل ماندگان روزی بخاطر دخترتان همسن و سال تو سر عقل بیایند و کمی در فکر بروند و عاقلانه بیاندیشند اگر آن دوست خدایی ناخواسته روزی دختر خودشان باشد.آیا رگ غیرت نداشته شان در خوف کردن شان چون دو طباب سیمی بیرون نمی‌زند؟

زهی تاسف ،متاسف از این چنین پدرانی.

تفصی

با نهج البلاغه

در این خطبه،سخن از آغاز آفرینش آسمان و زمین و آفرینش آدم (ع) است.حمد باد خداوندی را که سخنوران در نشایش فرو مانند و شمارندگان از شمارش نعمتهایش عاجز آیند و کوشندگان هر چه کوشند،حق نعمتشان را پروان که شایسته اوست،ادا کردن نتوانند .

خداوندی، که اندیشه‌های دور پرواز آن را درک نکنند و زیرکان تیزهوش،به عمق جلال و جبروت او نرسند.خداوندی که فراخانی صفاتش را نه حدی است و نه نهایی و وصف جلال و جمال او در سخنان درخور نتوان یافت،که در زمان گنجبد و مدت نپذیرد. آفریدگان را به قدرت خویش بیافرید و بادهای باران زای را بپراند



مردم این حرکت را سمبل حرکت کاروان همه خوبان می‌دانند به همین خاطر هر کس به هر شکلی سعی می‌کند محبت خود را حتی با دادن جرعه ای آب به دست بچه‌ها نشان دهد.

استقبال و اشتیاق از این کار فرهنگی را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

بسیار خوب و عالی است تا جائیکه افراد کاروان شرمنده محبت دیگران می‌شوند و هر کس در طول مسیر سعی دارد علاقه درونی خود را ابراز نماید.

چه ایده‌ها و برنامه‌هایی برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی از این نمونه دارید؟
باید فرهنگ استقامت و پایداری را در پیمودن مسیر عشق و بندگی به نمایش گذاشت تا دیگر جوانان نیز با الگوبرداری از حسین حرکتی به سوی تعالی حرکت کنند.

سفر پر از خاطره است شما در طول این سفر چه خاطراتی دارید؟

خاطرات خوب،لحظه و لحظه این سفر که چون شمعی دلپذیر اکنون از خاطره می‌گذرد ف بر خورد صمیمی و بی‌ریای مردم که از ما همچنین بزرگان و علمایی بودند که برای این التماس دعا داشتند و همچنین این مردم عزیزکه در طول سفر با هدایای خود بچه‌ها را خوشحالی می‌کردند بسیار خوب و دیدنی بود.

چه موانع و مسائلی در طی این طریق در راه شما وجوددارد؟

مسائلی که مانع از انجام کار باشد خدا را شاکرم که اگر هم وجود داشته باشد با عنایت و توسل به حضرت حق رفیع و مرتفع می‌شود و اگر هم بی‌مهری صورت با شوق و اشتیاق بچه‌ها از بین رفته است.

حمایت مسئولان از شما چگونه بوده؟

به شکل کلی خوب بوده است،هر چند در

اجتماعی

- سال نهم**
- شماره ۱۰۳۰**
- یکشنبه**
- ۶ تیر ۱۳۸۹**
- ۱۴ رجب ۱۳۹۱**
- ۲۷ ژوئن ۲۰۱۰**
- دبیر صفحه: حسین نارنجی نسب**



سال های اولیه بعضی های این حرکت را باور نداشته بودند اما اکنون نظرها عوض شده است.

سخن آخر :

این حرکت ما برای نشان دادن عشق و محبت به ساخت مقدس اهل بیت و لیبک به ندای هل من ناصر ابا عبدالله‌ الحسین در طول زمان و زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا و اعلام لبیک و آمادگی به رهبر معظم انقلاب بوده است.

امیدواریم این حرکت نمادین ما فتح بایی باشد برای فعالیت های از این گونه تا به تمام ایران بگوییم ما مرزبانان دریای خلیج فارس تا پای جان به عهده خود با انقلاب و رهبری پایبندیم



تا بشارت باران رحمت او دهند و به صخره‌های کوهساران ، زمینش را از لرزش بازداشت .

اساس دین،شناخت خداوند است و کمال شناخت او ، تصدیق به وجود اوست و کمال تصدیق به وجود او، یکتا و یگانه دانستن اوست و کمال اعتقاد به یکتایی و یگانگی او،پرستش اوست.

دور از هر شایبه و آمیزه‌ای وپرستش او زمانی از هر شایبه و آمیزه‌ای پاک باشد که از ذات او، نفی هر صفت شود زیرا هر صفتی گواه بر این است که غیر از موصوف خود است و هر موصوفی،گواه بر این است که غیر از صفت خود است .

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسیله به خانم زربن دخت اتحادی فرزند حسین بشماره شناسنامه یک صادره از رودان ساکن بندرعباس خیابان شهید مصطفی خمینی (اوقاف)بعنوان بدهکار و رahn ابلاغ می شود بانگ ملت سرپرستی استان هرمزگان به استناد سند رهنی شماره ۸۱۹۲ - ۸۶/۲/۱۹ تنظیمی دفتر اسناد رسمی شماره ۴۳ بندرعباس برای وصول مبلغ ۸۰/۴۰/۵۰۲ ریال تا تاریخ ۸۸/۳/۴،باضمام کلیه خسارات قانونی وارده تا روز وصول و مبلغ ۰۲۲۰۰۸ ریال نیم عشر اجرائی بدهی شما بابت پرونده اجرائی کلاسه ۸۸ - ۳۷۹۷ بر علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده و پرونده فوق در شعبه اجرائی این اداره در جریان اقدام است لذا چون طبق گزارش مامور اجرای این اداره در ادرس تعیین شده در اجرائیه شناخته نشده اید و بستانکار نیز نمی توانان شما را معرفی کند و برای شعبه اجراء این اداره هم آدرس شما معلوم نیست به استناد تقاضای بستانکار و ماده ۱۸ آئین نامه اجراءمقاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار بابت پرونده اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در روز ان تاریخ انتشار این آگهی که روز کتب دستگاه اپارتمان قلعه ۱۴ تفکیکی بمساحت ۷۹/۲۲ مترمربع واقع در طبقه اول بلوک سه قطعه ۲۲۲ تفکیکی دارای پلاک ۳ و ۴ فرعی از سه اصلی واقع در بخش دو بندرعباس ملکی زربن دخت اتحادی از طریق مزایده اقدام خواهد نمود. به غیر از این آگهی و آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد. ۹۰۵۲م/الف

چمنی- مسئول اجرای ثبت بندر عباس

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای بهرام قزلباش فرزند رحمن طبق وکالتنامه شماره ۱۱۲۲۸ - ۸۶/۴/۱۰ دفتر ۳۳ بندرعباس و به استناد یک فقره استظهاردیه محلی بوراده شماره ۲۲۰۷۷۳ - ۸۹/۶/۱۳ در خصوص پلاک ۲۲ فرعی از ۳۵۶۹ - اصلی واقع در کوئ فرهنگیان بخش یک بندرعباس مدعی شده است که سند مالکیت ششدانگ یکبایخانه بشماره چاپی ۸۸۲۶۲۱ که در صفحه ۳۶۲ دفتر ۴۸ محلی ذیل ثبت شماره ۴۴۸۴ ثبت و سند بنام خانم فاطمه مهیا پور صادر و تسلیم گردیده است و سپس برابر خلاصه سند قطعی ۳۸۹۸ - ۸۵/۶/۱۶ دفتر خانه ۳۱ بندرعباس ششدانگ پلاک فوق به خانم میترا نیک طبع انتقال قطعی یافته است به علت جنابایی مفقود گردیده است نامبرده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا بااستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی و تبصره ذیل آن بدینوسیله اعلام می شود هر کس مدعی انجام معامله نسبت به پلاک مذکور و جود اصل سند مالکیت در نزد خود می باشد بایستی از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید دبیهی است پس از انقضای مهلت قانونی مذکور و عدم وصول اعتراض و یا وصول اعتراض ارائه و عدم سند نسبت به صدور سند مالکیت المثنی بنام متقاضی اقدام خواهد شد. ۹۰۵۲م/الف

علی محمودی - رئیس ثبت اسناد و املاک بندر عباس

آگهی تغییرات در شرکت موج ساحل بندر لنگه (سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۱۲۰۲

بااستناد صورت جلسات مجمع عمومی فوق العاده و هیئت مدیره مورخه ۸۹/۴/۱ تغییرات ذیل در شرکت فوق بعمل آمده است:

۱- خانم لیلا حاجی زاده با واگذاری ۵ سهم از سهام خود را به آقای عبدالباقی حاجی زاده فرزند محمد بشناسنامه شماره ۲۷۲ صادره از بندرلنگه تعداد سهام خود را از ۴۰ سهم به ۳۵ سهم کاهش دادند.
۲- آقای شاهرخ حاجی زاده کلیه ۵ سهم خود را به آقای عبدالرضا حاجی زاده فرزند محمد بشناسنامه شماره ۳۱ صادره از بندرلنگه واگذار و از شرکت خارج و دیگر هیچگونه حق و سمتی در شرکت ندارد در نتیجه در سرمایه شرکت هیچگونه تغییری بوجود نیامد و همان مبلغ یک میلیون ریال می باشد.

سهام سهامداران بدین شرح:

۱- خانم لیلا حاجی زاده دارای ۳۵ سهم
۲- آقای محمد یوسفی دارای ۵۰ سهم
۳-آقای عبدالرضا حاجی زاده دارای ۵

۴- عبدالباقی حاجی زاده دارای ۵ سهم
۵- آقای عبدالکریم حاجی زاده دارای ۵ سهم می باشد.

۳- آقایان عبدالباقی حاجی زاده بسمت رئیس هیئت مدیره و محمد یوسفی بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و عبدالکریم حاجی زاده و عبدالرضا حاجی زاده بسمت اعضای هیئت مدیره برای مدت باقیمانده انتخاب گردیدند
۴- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت اعم از چک و سفته و غیره با امضای متفرد آقای محمد یوسفی مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

عزیز بهرامی -رئیس اداره ثبت

اسناد و املاک بندر لنگه

سر کار خانم صادقی فرد

دبیر محترم هنرستان صدیقی بندرلنگه بر خود وظیفه دانستم تا از شما معلم دلسوز و پر تلاش تقدیر و تشکر نموده و از ذات اقدس باریتعالی موفقیت روز افزون شما را مسئلت نماییم

به فرمایش مقام رهبری :

از طرف فاطمه اصول- فریبا ابراهیم فرد دانش آموزان بندر کنگ



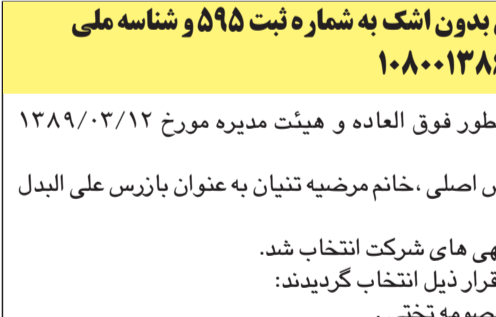
کلاس دوم دبستان غیر انتفاعی مهر بندرلنگه معدل ۲۰

با تشکر از معلم مربوطه سر کار خانم حلیمه یوسف پور مدیر دبستان سر کار خانم ارنبب ثقفی



کلاس دوم دبستان فاطمیه بندرکنگ معدل ۲۰

با تشکر از معلم مربوطه خانم خدیجه الماسی و مدیر دبستان خانم فاطمه حسن زاده



آگهی تغییرات موسسه یادگیری مشق بدون اشک به شماره ثبت ۵۹۵ و شناسه ملی ۱۰۸۰۱۳۸۶۷۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده و هیئت مدیره مورخ ۱۳۸۹/۰۳/۱۲ تصمیحات ذیل اتخاذ شد:

۱- خانم خاطره مظفری بستکی به عنوان بازرس اصلی ،خانم مرضیه تنیان به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند .

۲- روزنامه کثیرالانتشار "دریا" جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.

۳- اعضاء هیئت مدیره برای مدت نامحدود به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

خانم فاطمه تختی و آقای امیر تختی و خانم معصومه تختی .

۴- سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

آقای امیر تختی به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و خانم فاطمه تختی به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم معصومه تختی به سمت عضو هیئت مدیره و خانم فاطمه تختی به سمت مدیر عامل ۵ - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور موسسه با امضا مدیر عامل همراه با مهر موسسه معتبر خواهد بود.
در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۲۱ ذیل دفتر ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت. ۹۰۴۷م/الف

مسئول ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری واحد ثبتی بندر عباس



Ⓞ **روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان**